

مقدمه

«مفهوم ارزش‌ها، مفهومی مرکزی در تمامی علوم اجتماعی است. متغیر وابسته عمده در مطالعه فرهنگ، جامعه و شخصیت و متغیر مستقل عمده در مطالعه نگرش‌های اجتماعی و رفتار است» (روکیچ، ۱۹۷۳، ص ۱۱).

روکیچ، که نظریه ارزش‌های فردی را مطرح می‌سازد، آن را «باوری راسخ نسبت به شیوه خاصی از رفتار یا هدفی از زندگی که به لحاظ فردی یا اجتماعی در برابر انواع دیگری از رفتار یا اهداف متفاوت مرجح است»، تعریف می‌کند (روکیچ، ۱۹۷۳، ص ۵). فیدر (۱۹۸۸) ارزش‌های فردی را هسته مرکزی شخصیت افراد می‌داند که بر رفتارها، نگرش‌ها، ارزشیابی‌ها، قضاوت‌ها، تعهدها و رضایت آنها از زندگی اثر می‌گذارند. جونز (۱۹۹۱) بر این باور است که ارزش‌های یک فرد، معیار ارزشیابی اعمال وی بوده و رفتار اخلاقی یا غیراخلاقی او را توجیه می‌کند. شوارتز (۱۹۹۹) در یک تعریف پذیرفته‌شده، ارزش‌ها را اهداف تصویب‌شده‌ای می‌خواند که برانگیزاننده اعمال و توجیه‌کننده انتخاب راه‌حل‌ها است. این اهداف ماهیت انگیزشی، مطلوب و فراموقعیتی داشته و نقش اصول راهنما را در زندگی به‌عهده دارند (شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵). فراموقعیتی بودن ارزش‌ها، بیانگر تأثیر نافذ و گسترده آنها بر سایر موقعیت‌های زندگی است.

هافستید و هافستید استدلال می‌کنند که ارزش‌ها اصلی‌ترین مدخل تأثیرگذاری فرهنگ بر رفتار است (لی و کابی، ۲۰۱۱). ارزش‌ها مبنای نظام نگرش‌ها، شناخت، انگیزش و رفتار آدمی را شکل می‌دهند (همان). آنها قالب‌های انتزاعی شناخت اجتماعی هستند که به‌عنوان تبیین‌های نیرومند و اثرگذار بر رفتار آدمی عمل می‌کنند (هامر و کاهلی، ۱۹۸۸). ارزش‌ها تعیین‌کننده مهم شیوه عمل و مسیر فعالیت‌ها هستند. ارزش‌ها خنثا نبوده و بار عاطفی دارند، تا جایی که سادگر از رابطه میان ارزش‌ها و اختلالات روان‌پزشکی سخن می‌گوید (نوربالا و دیگران، ۱۳۸۶). از نظر اندیشمندان مسلمان ملاک ارزش، مصلحت عمومی فرد در جامعه و مصلحت حقیقی آدمی است؛ یعنی هرآنچه موجب کمال واقعی انسان می‌باشد. در این دیدگاه، ارزش‌ها اصولی کلی، ثابت و مطلق‌اند که متأثر از شرایط نیستند، اما مصادیق آن بسته به شرایط تغییرپذیرند (مصباح، ۱۳۷۶، ص ۲۳۰). اسلام ارزش حاکم بر فرهنگ جامعه را مسئله‌ای کلیدی در زندگی افراد و جوامع می‌داند و آن را سرآغاز هر حرکتی برمی‌شمارد. تا آنجا که درک ارزش‌های واقعی و راستین تضمین‌کننده سعادت‌مندی جامعه و روی آوردن به ارزش‌های خیالی و بی‌اساس سوق‌دهنده آن به ورطه تباهی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۱۲۵).

شناسایی و تحلیل ارزش‌ها در دانشجویان دکتری

منصور بیرامی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تبریز

Sina_Shafiei@tabrizu.ac.ir

سینا شفیعی سورک / دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تبریز

دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۱

چکیده

هدف پژوهش، که با روش پدیدارشناسی انجام گرفت، شناسایی ارزش‌ها در دانشجویان دوره دکتری و مقایسه آن با مقیاس‌های رایج و توضیح تفاوت‌های احتمالی بود. نمونه پژوهش، شامل ۱۴ نفر از دانشجویان پسر گروه‌های آموزشی مختلف دانشگاه تبریز بود که طی یک مصاحبه سازمان‌نیافته ارزش‌هایشان را بازگفتند. تحلیل داده‌ها با روش آمیت و همکاران (۱۹۹۹) انجام شد. متغیرهای حاصل از مطالعه عبارتند از: ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌های دینی، ارزش‌های خانوادگی، ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های مادی، ارزش‌های ملی، نوع‌دوستی، پیشرفت شخصی، مفید بودن، نمایش خود واقعی، احترام نفس و ایمنی. نتایج پژوهش بیانگر وجود متغیرهای مساعد در نظام ارزشی دانشجویان دوره دکتری در جامعه است. همچنین این نتایج نشان می‌دهد که ارزش‌های دانشجویان دکتری متفاوت از ارزش‌های مطرح در مقیاس‌های رایج می‌باشد، بنابراین، این مقیاس‌ها کارآمدی لازم برای بررسی ارزش‌های گروه مذکور را ندارد. یافته‌های حاصل می‌تواند مورد استفاده نظام آموزش عالی و مؤسسات متقاضی افراد دارای تحصیلات بالا قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نظام ارزشی، دانشجویان دکتری، پدیدارشناسی.

نظریه ارزش- باور- هنجار پیشنهاد می‌کند که ارزش‌ها از طریق شکل‌دهی نگرش‌های محیطی و به شیوه غیرمستقیم بر رفتار تأثیر می‌گذارند (استرن و دیگران، ۱۹۹۹). این نظریه، رفتار را نتیجه چندین متغیر می‌داند که از طریق یک زنجیره علی به هم گره خورده‌اند. ارزش‌های فردی، که عناصر مرکزی شخصیت هستند، پایه‌های این زنجیره را تشکیل می‌دهند و به باورهایی متمرکز بر روابط انسان- محیط از طریق انتخاب و کنترل کردن اطلاعات دریافتی منجر می‌شوند. بنابراین، «فردی که به زیبایی فیزیکی طبیعت بیش از امور اجتماعی بها می‌دهد، ممکن است اطلاعاتی را بپذیرد که از باوری که هر تغییر محیطی تهدیدی جدی در برابر آن ارزش است، حمایت می‌کند» (استرن و دیتز، ۱۹۹۴، ص ۶۷).

ارزش‌های فردی پیش‌بین خوبی برای مجموعه‌ای از نگرش‌ها و رفتارهاست. برای نمونه، نگرش به روابط جنسی (فیدر، ۲۰۰۴)، رفتار مصرفی (گرونرت و جول، ۱۹۹۵)، رأی‌دهی (کپرا و دیگران، ۲۰۰۶)، دینداری (روکاس، ۲۰۰۵) و جهت‌گیری شغلی و حرفه‌ای (لان و همکاران، ۲۰۱۳). ارزش‌ها همچنین عاملی تعیین‌کننده در تعهد سازمانی به‌شمار می‌آیند (فیشر و اسمیت، ۲۰۰۶) و بر رفتار اخلاقی در محل کار تأثیر می‌گذارند (فینگن، ۱۹۹۴).

تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از ارزش‌ها، با هدف بررسی آن در گروه‌ها و شناسایی عوامل و پیامدهای آن به‌عمل آمده است. آلپورت و همکاران (۱۹۷۰) در نخستین کوشش رسمی، ارزش‌ها را به شش دسته نظری، دینی، اجتماعی، اقتصادی، هنری و سیاسی تفکیک کردند. در کاربردی‌ترین تقسیم‌بندی و مطابق با نظریه ارزش‌های اساسی انسان (شوارتز، ۱۹۹۲، ص ۱۴)، ارزش‌ها یک پیوستار انگیزشی مدور شامل ده ارزش قدرت، پیشرفت، لذت‌طلبی، انگیختگی، خودرهبی، جهانی بودن، خیرخواهی، سنت، هم‌رنگی و امنیت می‌باشد. این ارزش‌ها با هم رابطه متقابل دارند و الگوی کلی روابط میان آنها یک ساختار دایره‌ای را نشان می‌دهد. این ارزش‌ها، از سه نیاز همگانی- نیازهای زیستی، نیاز به تعامل اجتماعی هماهنگ و نیاز به بقا و رفاه گروه‌ها- سرچشمه می‌گیرند. به‌ویژه لزوم تعامل اجتماعی هماهنگ به تغییرپذیری در فرهنگ‌ها می‌انجامد. شیکویچ و شوارتز (۲۰۱۲)، در تجدیدنظر بعدی خود و با روش تحلیل عاملی تأییدی با تفکیک جهانی شدن به دو زیرگروه (حفاظت از محیط و نگرانی‌های اجتماعی)، پیشرفت به دو زیرگروه (بلندپروازی و نشان دادن موفقیت)، خودفرمانی به دو زیرگروه (استقلال عمل و استقلال اندیشه)، امنیت به دو زیرگروه (امنیت شغلی و امنیت شخص)، و سنت به دو زیرگروه (سنت و فروتنی) پانزده ارزش نظری را تمیز دادند. اگرچه شواهد نشان می‌دهد که این ارزش‌ها، جهانی‌اند (شوارتز، ۱۹۹۲، ص ۱۷؛ شوارتز و همکاران، ۲۰۰۱)، اما امکان تفکیک آنها به

تعدادی بیشتر محال نیست (شیکویچ و شوارتز، ۲۰۱۲). لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) در یک تحقیق میهنی از دانش‌آموزان کشورمان، ده نوع ارزش شامل ارزش‌های فردی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری، علمی و نظری، دینی، ملی و جهانی شدن و جهانی سازی را بازنشاسی نمودند. ارزش‌های موردنظر افراد، ملت‌ها و گروه‌های اجتماعی مختلف متفاوت است (شوارتز و باردی، ۲۰۰۱). پژوهشگران فرهنگی معتقدند که رفتار از فرهنگی به فرهنگ دیگری متفاوت است؛ زیرا گروه‌های فرهنگی مختلف ارزش‌های متفاوتی دارند (لیگوهریل و دیگران، ۲۰۰۹). در حقیقت، فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک است که منجر به تمایز گروه خاصی از افراد از گروه دیگری می‌شود (پیزام و همکاران، ۱۹۹۷). افزون بر این، ارزش‌ها حالت سلسله‌مراتبی دارند (شوارتز، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴) و افراد در یک مجموعه ارزش‌ها، دست به اولویت‌بندی می‌زنند. وقتی فرد ارزش‌هایش را بر حسب اهمیتی که برایش دارند مرتب می‌کند، نظام ارزشی خود را شکل می‌دهد. نظام ارزشی فرد ثابت نمی‌ماند و طی دوران نوجوانی و سال‌های پس از آن تغییر می‌کند (کرامتی‌مقدم و دیگران، ۱۳۸۶). این تغییر در اموری همچون کسب ارزش‌های جدید و ویرانی ارزش‌های سنتی منعکس می‌شود (همان). بنابراین، ثبات نسبی ارزش‌ها در طول موقعیت‌ها و زمان نشان داده شده است (شوارتز، ۲۰۰۶). ارزش‌ها در برابر تغییر مقاومت می‌کنند و به اندازه کافی باثبات هستند که نقش معیارها یا ملاک‌های عمل را ایفا کنند (لی و کای، ۲۰۱۱). در این زمینه، شواهد نشان می‌دهد ارزش‌ها و نگرش‌ها، که در قیاس با ارزش‌ها به اهداف و موقعیت‌های ویژه‌ای مرتبط هستند، تا حدودی توسط یک مؤلفه اثری تعیین می‌شوند. برای نمونه، نیمی از تغییرپذیری در ارزش‌های نوع‌دوستی و همدلی توسط عامل ژنتیک تعیین می‌شود (راشتون و همکاران، ۱۹۸۶) و این میزان برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی ۴۲٪ است (راشتون، ۲۰۰۴). از سوی دیگر، تا حدودی نظام ارزشی از تجارب اثر می‌پذیرد و عوامل اجتماعی و فردی از راه فرایند جامعه‌پذیری یا انتقال محیطی بر شکل‌گیری ارزش‌ها تأثیر می‌گذارند (شوارتز و باردی، ۲۰۰۱). بر این اساس، آموزش ارزش‌ها مطرح می‌شود.

بررسی نظام ارزشی دانشجویان، به‌ویژه مورد توجه بوده است. این افراد از یک‌سو، به‌عنوان محصولات نظام آموزشی کشور، جایی که آموزش ارزش‌ها مورد تأکید است، و از سوی دیگر، به‌عنوان نیروهای متخصصی که با حضور زود هنگام در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر تحولات جامعه خواهند داشت، توانسته‌اند توجه پژوهش‌هایی از این نوع را جلب کنند. تحقیقات پیشین در ارتباط با ارزش‌های دانشجویان، نتایج متفاوتی را به‌دست داده است: برخی

ارزش‌های اقتصادی (روشن‌فر، ۱۳۹۰)، تعدادی ارزش‌های اجتماعی (نوربالا و دیگران، ۱۳۸۶) و برخی دیگر نیز ارزش‌های دینی (همان) را ارزش‌های غالب در دانشجویان دیدند. از سوی دیگر، تحقیقات روشن‌فر (۱۳۹۰) بیانگر کم‌رنگ شدن ارزش‌های اجتماعی و مذهبی و گرایش افراطی قشر تحصیل کرده به ارزش‌های مادی‌گرایانه است. لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) نیز در یک بررسی تأمل‌برانگیز، اظهار داشتند که چالش جهانی شدن با تأثیر بر حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و حقوقی بر فرهنگ و تعلیم و تربیت اثر کرده و نظام ارزشی گروه‌های وسیعی از جوانان کشور ما را به‌ویژه آنهایی که به تحصیلات بالاتر دست می‌یابند، متزلزل ساخته، تا جایی که ارزش‌های این گروه متفاوت از انتظاراتی است که بزرگسالان متعهد به ارزش‌های کلاسیک و ملی دارند.

مقایسه ارزش‌های دانشجویان در سال‌های مختلف تحصیل، بیانگر این است که ارزش‌های غالب دانشجویان در سال‌های اول بیشتر جنبه نظری داشته، ولی در سال‌های بعد جنبه عملی و کاربردی به خود می‌گیرد (هلکاما و دیگران، ۲۰۰۳)، هماهنگی و انسجام ارزش‌ها در دانشجویان سال آخر، بیشتر از تازه‌واردان است و دانشجویان جوان‌تر به لحاظ ارزشی از منش آزادتری برخوردارند (همان).

در حوزه ارزش‌ها، خلأ پژوهش در دانشجویان دکتری به‌عنوان محصولات نهایی نظام آموزشی و قشری با تأثیرگذاری بسیار بر فرایندهای پیش‌روی جامعه مشهود است. آیا لزوماً ارزش‌ها در دانشجویان دکتری، همان ارزش‌های شناخته شده است؟ یا آنها به دلیل شرایط ویژه خود، صرف‌نظر از استعداد ذاتی یا مهارت‌های آموخته‌شده، ارزش‌های متفاوتی دارند؟ بی‌تردید ارزش‌های این گروه از دانشجویان تأثیر خود را بر آینده جامعه نشان خواهد داد. بنابراین، شناسایی آن‌ها تنها خواسته‌ها و اولویت‌های این افراد را آشکار می‌کند، بلکه کارآمدی خط‌مشی آموزشی را نمایان ساخته و ما را در پیش‌بینی تحولات پیش‌رو و آسیب‌شناسی آن یاری می‌دهد. بدین منظور، هدف از انجام این پژوهش، شناسایی ارزش‌ها در دانشجویان دوره دکتری می‌باشد.

روش تحقیق

این مطالعه در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در دانشگاه تبریز، با رویکرد پدیدارشناسی و روش تحقیق کیفی به انجام رسید. بکر بودن این بررسی در دانشجویان دکتری و تردید نسبت به کارایی مدل‌های شناخته‌شده ارزش‌ها در این گروه، به سبب شرایط ویژه اعضای آن، دلیل انتخاب شیوه مذکور است. تحصیل در مقطع دکتری، مرد بودن و گذراندن دست‌کم دو نیمسال معیارهای انتخاب نمونه بود. مرد بودن به دلیل پرهیز از

پیچیدگی و گذراندن حداقل دو نیمسال، با هدف آنکه شرکت‌کنندگان شرایط هیجانی زمان ورود به دانشگاه را پشت سر گذاشته باشند و به نوعی تثبیت در ارزش‌ها رسیده باشند، به مطالعه افزوده شده است. از روش‌های نمونه‌گیری گلوله برفی و هدفمند در این مطالعه استفاده شد. تعداد نمونه، که تا رسیدن به اشباع در داده‌ها ادامه یافت، ۱۴ نفر از گروه‌های آموزشی مختلف را شامل شد.

از مصاحبه باز و سازمان‌نیافته برای حصول اطلاعات موردنیاز استفاده شد. سکونت پژوهشگر در خوابگاه دانشجویی و آشنایی با دانشجویان گروه‌های آموزشی مختلف و دعوت از شرکت‌کنندگان توسط دوستان مشترک امکان بهره‌گیری از نمونه متنوع و ترغیب پاسخ‌گویان به ارائه پاسخ‌های واقعی را مقدور ساخت. در ابتدا، از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا ارزش‌های خود را بیان کنند. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان با طرح پرسش‌هایی راجع به چرایی اهمیت و چگونگی تأثیر آن ارزش بر زندگی آنها و سپس سؤال «آیا ارزش دیگری داری یا موضوع دیگری هست که برای تو ارزشی فراتر یا معادل موارد مطرح شده داشته باشد؟» پیگیری شد. مصاحبه‌ها بنا به تمایل شرکت‌کنندگان در اتاق محل سکونت پژوهشگر، اتاق محل سکونت پاسخ‌گو یا محوطه خوابگاه دانشجویی انجام گرفت و بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. با فهرست کردن پیش‌فرض‌های محقق، که حاصل تجربه و مطالعه بود، پیش از جمع‌آوری داده‌ها و نیز در جریان کار از تأثیر آنها بر نتیجه پژوهش جلوگیری به عمل آمد. مرور گسترده بر پیشینه تا اتمام تحلیل داده‌ها به تعویق افتاد.

شرکت در پژوهش اختیاری بود. محرمانه ماندن اطلاعات و حق کناره‌گیری یا پاسخ ندادن به برخی یا تمام سؤالات مصاحبه و نیز چگونگی انتخاب نمونه و هدف از انجام پژوهش در آغاز کار به شرکت‌کنندگان اطلاع داده شد و جریان مصاحبه با رضایت آنها ضبط شد. پس از اتمام مصاحبه و شنیدن آن برای چندین بار، متن و بیانات شرکت‌کنندگان استخراج شد و با روش پیشنهادی اسمیت و همکاران (۱۹۹۹) مورد تحلیل قرار گرفت. به این ترتیب، نسخه‌ها مکرر خوانده شد و جملات مهم آنها در مورد ارزش‌های شرکت‌کنندگان استخراج و عنوان داده شد. آن‌گاه متغیرها بر مبنای ارتباطشان دسته‌بندی و به خوشه‌هایی سازمان داده شدند. با تلفیق خوشه‌ها، توصیفی از ارزش‌های دانشجویان به عمل آمد.

برای اطمینان از این‌همانی داده‌ها، یافته‌ها با شرکت‌کنندگان در میان گذاشته شد. آنها هماهنگی آن با تجربیات خویش را تأیید کردند. از یک دانشجوی دکتری، که در تحقیق پدیدارشناسی تجربه داشت، در بازنگری نسخه‌ها و تحلیل داده‌ها استفاده شد. علاقه‌مندی محقق به پدیده تحت بررسی، تماس

طولانی مدت با داده‌ها، استفاده از نظرات افراد مطلع و حفظ مستندات در تمام مراحل مطالعه، قابلیت تأیید پژوهش را تضمین نمود. کنار هم قرار دادن بیانات شرکت‌کنندگان، یادداشت‌های عرصه و مضمون‌های استخراج شده و بهره‌گیری از رهنمودهای دو تن از استادان پژوهش‌های کیفی، هم‌سانی و هم قابلیت تأیید یافته‌ها را ممکن می‌ساخت.

یافته‌های پژوهش

بررسی داده‌ها، مضمون‌های زیر را در خصوص ارزش‌های دانشجویان دوره دکتری به دست داد: ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌های دینی، ارزش‌های خانوادگی، ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های مادی، ارزش‌های ملی، نوع‌دوستی، پیشرفت شخصی، مفید بودن، نمایش خود واقعی، احترام نفس و ایمنی.

۱. ارزش‌های اخلاقی

بسیاری از دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش راست‌گویی، یکرنگی، وفای به عهد، دوری از تملق‌گویی، پرهیز از خیانت و رعایت حقوق دیگران را اصلی‌ترین باور ارزشی خود عنوان کردند و بر تعهد به آن اصرار داشتند. این دانشجویان ریشه بسیاری از مشکلات جوامع را عدم التزام افراد آن به رعایت ارزش‌های اخلاقی می‌دانستند. آنها احساس گناه و عذاب وجدان را پیامدهای معمول ترک این ارزش‌ها برمی‌شمردند. یکی از دانشجویان گفت: «یک مجموعه باورها و اعتقادات اخلاقی مثلاً راست‌گویی، حق‌الناس برای من بسیار مهم است. نمی‌توانم رعایت نکنم، عذاب وجدان می‌گیرم. این برای من مهم است که حتی ذره‌ای حق کسی را پایمال نکنم. برای این حاضریم چیزهای دیگر را فدا کنیم. از شغلم بگذرم». شرکت‌کننده دیگری رعایت این ارزش‌ها را معادل با «انسان بودن» عنوان کرد: «برای من رعایت ارزش‌های انسانی مهم است. انسان بودن، فارغ از هر دین و مذهبی که داری».

۲. ارزش‌های دینی

اعتقادات مذهبی و باورهای دینی، یکی از ارزش‌های غالب شرکت‌کنندگان بود. این شرکت‌کنندگان حضور خداوند در تمامی عرصه‌ها را احساس می‌کردند. رضایت او را بر دیگر امور مقدم می‌پنداشتند. آنها ارزش‌های دیگر را تحت عنوان این ارزش مینویسی می‌دیدند و سعادت واقعی را همانا گردن نهادن به مشیت خداوندی می‌دانستند. شرکت‌کننده‌ای در این خصوص گفت: «هر ارزشی، ارزشش را از ارتباطش با خدا می‌گیرد». برای این افراد، باورهای مذهبی روحیه امید، توان تحمل دشواری‌ها و آرامش خاطر را موجب می‌شود. یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «وقتی خدا را داری، نگرانی جایی ندارد».

بیشتر این شرکت‌کنندگان ضمن تأکید بر اهمیت انجام رفتارهای معمول آیینی، اعتقادات و باورهای دینی را شاخصی اصیل و پشتوانه‌ای محکم می‌دیدند. برای نمونه، «خدا و رضایت او اصلی‌ترین ارزش است و برای این مهم راه‌های زیادی وجود دارد. اگرچه من خودم اجرای دستورات دینی را وظیفه می‌دانم، ولی این اعتقادات است که اصل است».

۳. ارزش‌های خانوادگی

حفظ حرمت خانواده، رضایت خانواده و کمک به اعضای خانواده، به‌ویژه والدین از اصلی‌ترین ارزش‌های دانشجویان شرکت‌کننده بود. آنها خود را متعلق به کانون خانواده می‌دانستند. موقعیت، داشته‌ها و ارزش‌های خود را مدیون خانواده و فداکاری والدین می‌دیدند و برای رفاه و پیشرفت خانواده، احساس تعهد می‌کردند. یکی از دانشجویان می‌گفت: «حاضریم برای رضای خانواده‌ام خیلی چیزها را از دست بدهم؛ یعنی اونا بیشتر از خودم برام ارزش دارند». دانشجوی دیگری می‌گفت: «یک ارزش خیلی بزرگ من این است که به خانوادکم کمک کنم، مخصوصاً پدر و مادرم. حالا هر جور، مادی، معنوی. مثلاً من برای بورسم نمی‌خوام شهر دیگه بزنم. در آینده می‌خواهم هم کنارشون باشم، هم آنها را کمک کنم».

شرکت‌کنندگان در ازای سختی‌هایی که خانواده برای آنها و پیشرفت‌شان متحمل شده بود، احساس مسئولیت می‌کردند و مصمم به جبران دینی بودند که بر گردنشان نهاده شده بود. برای نمونه، «می‌دونم که به جوری دین حساب میشه». آنها همچنین تعلق و خدمت به خانواده را به علاقه قلبی خویش نسبت می‌دادند. شرکت‌کننده‌ای می‌گفت: «برای اینکه شدیداً من خودم به خانوادم علاقه‌مندم، به پدر و مادرم». تعدادی از شرکت‌کنندگان در این خصوص به تشکیل خانواده و شروع زندگی مشترک اشاره کردند. آنها این مرحله از زندگی را حساس قلمداد نموده، بر این عقیده بودند که حضور فرد شایسته و مورد علاقه می‌تواند زندگی را جلوه نو داده، آن را معنایی تازه بخشد. تا جایی که یکی از این افراد، شریک مدنظر را ناجی معرفی نمود. «زندگی مشترک برای من ارزش خاصی دارد. زندگی با فردی که سال‌هاست می‌شناسمش و بهش علاقه دارم. احساسم اینه که با او مدن او، زندگی معنای پیدا می‌کنه و از این بالاتر کیفی نجات پیدا می‌کنم».

۴. ارزش‌های اجتماعی

اغلب شرکت‌کنندگان، ارزش‌های اجتماعی را یکی از اولویت‌های خود بیان کردند. رضایت اقوام، دوستان، اطرافیان و دیگران، یافتن شغلی با موقعیت اجتماعی مناسب و محبوبیت و مقبولیت اجتماعی

یکی از هدف‌های این افراد بود. آنها به برداشت دیگران از خود و نحوه برخورد آنها اهمیت خاصی می‌دادند. رضایت خود را در رضایت دیگران می‌جستند. یکی از دانشجویان تمایل خود به کسب رضایت دیگران و پیامدهای احتمالی آن را این‌گونه بیان کرد:

دوست دارم همیشه جوری رفتار کنم که دیگران نسبت به من خوش‌بین باشن. دید خوبی داشته باشن. چه در حضورم، چه در غیابم. این باعث می‌شه که احساس آرامشی به من دست بده. برام لذت بخشه. این ممکنه سبب بشه که دیگران برداشت بد داشته باشن. یکی ممکنه دو بار در حقش خوبی کنم. فکر کنه این خوبی وظیفه‌ست. یا ممکنه فکر کنه این قصد سوء استفاده داره که خوبی می‌کنه.

دیگری در این‌باره گفت: «اون شغلی که دارم، ارزش اجتماعیش خیلی مهمه است. اینکه دیگران چه نگاهی به من دارن».

۵. ارزش‌های مادی

ارزش‌های مادی یکی از مضمون‌های عنوان‌شده توسط عده‌ای از شرکت‌کنندگان بود که اهداف مختلفی همچون استقلال از خانواده، رفاه نسبی در زندگی، ثروتمندی و جبران کاستی‌های گذشته و نقص‌های کنونی را دنبال می‌کرد. بیانات نمونه ذیل، نشان می‌دهد که برای این گروه از شرکت‌کنندگان، هرچند با اهداف متفاوت، پول و مسایل مادی اهمیت بسیاری دارد. «مسایل مادی خیلی مهمه است. مادی به این لحاظ که در حد رفاه باشم. نه اینکه خونه آن‌چنانی، ماشین آن‌چنانی و پز دادن و اینجور بحث‌ها اصلاً مطرح نیست. یا مادیات برام مهمه است. ما از اول وضع مالی مناسبی نداشتیم. مستأجر بودیم. همش از این خونه به اون خونه. مدرسه در به داغون، تو یه کلاس با ۷۰ نفر. برای همین همش تو ذهنم بوده که وضع مالیم خوب بشه. یه سری آرزوها هم دارم که بدون پول نمی‌شه. مثلاً خارج رفتن را خیلی دوست دارم. همیشه دوست دارم وضع این‌قدر خوب بشه که هرچی را اراده کنم بخرم. علت اصلی مادی‌گراییم، یه ذره ترس و شرم و حیاست. مثلاً می‌ترسم فردا من یه زنی بگیرم، یه انتظاری از من داشته باشه که من از نظر مادی نتونم، خجالت می‌کشم که بش بگم من نمی‌تونم برات بخرم».

۶. ارزش‌های ملی

یکی از شرکت‌کنندگان در بیان ارزش‌های خود، ارزش‌های ملی را مطرح نمود. برای او، میراث فرهنگی و آثار گذشتگان و اعتبار جهانی کشور ارزش زیادی داشت، چیزهایی که به زعم وی، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. وی در این خصوص گفت: «چقدر حیفه است که میراث پیشینیان را قدر نمی‌دانیم. به نظر من، این بهترین سرمایه‌ای است که داریم. تمام آرزو و تلاشم سربلندی مردم کشورم در جوامع بین‌المللی است».

۷. نوع دوستی

نگرانی و حساسیت به شرایط دیگر افراد جامعه، فداکاری و گذشت و کمک به نیازمندان، در صورت توانایی، دغدغه تعدادی از شرکت‌کنندگان بود. این افراد انفاق داشته‌های خود برای رهایی دیگران از دشواری‌ها و تلاش برای رفاه و ترقی آنها را برای خود فرض و لذت‌بخش می‌دیدند. این گروه، جامعه را «خانواده‌ای بزرگ» می‌دیدند، سعادت آن را آرزو می‌کردند و خود را در مقابل رنج‌ها و سختی‌های اعضای آن مسئول می‌دانستند. دانشجویی در این خصوص گفت:

کمک کردن به اشخاص دیگر هم ارزشمند و هم لذت‌بخش است. من احساس می‌کنم اگر الان ۵۰ میلیون داشته باشم با اینکه خودم نیاز دارم، ولی یه نفر مریض باشه، اگه با این پول مشکلش حل بشه، به او کمک می‌کنم. یعنی یکی از آرزوهای من اینه که از لحاظ مالی به حدی برسم که بتونم به دیگران کمک کنم. بیشتر نیازمندان؛ اونایی که مریضند، خونه ندارند. هرچه این اما غریبه‌تر باشند، من بیشتر دوست دارم. مثلاً این بچه‌های تحت پوشش بهزیستی که بی‌سرپرستند.

دیگری با بیان مثال‌هایی نوع دوستی خود را این‌گونه عنوان کرد:

چیزی که برای من ارزشه فداکاریه. فداکاری و ایثار. برای مثال، من اسمم برای حج در اومده بود، اگر کسی بود که علاقه داشت و امکان رفتن برایش فراهم نبود، جایم را بش می‌دادم. یا یه بار واسه یه انتخاباتی اسم نوشته بودم، رأی هم می‌آوردم. دیدم یکی از بچه‌ها عاشق نماینده شدنه. بدون اینکه اصلاً خودش متوجه بشه، کشیدم کنار تا اون رأی بياره.

۸. پیشرفت شخصی

برخی شرکت‌کنندگان، پیشرفت‌های تحصیلی و حرفه‌ای را بسیار مهم قلمداد می‌کردند. آنها تمرکز خود را بر مطالعه و کار علمی قرار داده بودند. آرزوی افتخارآفرینی و «کسی شدن» در زمینه‌ای داشتند که سال‌های زیادی از عمر خود را مصروف آن ساخته بودند. بنابراین، این افراد مشکلات متعددی را پیش روی خود می‌دیدند که در برخی موارد، دلسردی آنها را به همراه داشت. از جمله، فرصت‌های اندک استخدامی، ازدیاد تحصیل کرده‌ها، وجود رقبای سفارش‌شده، فرایندهای معیوب و طولانی استخدام‌های شغلی و درآمد اندک و موقعیت تحلیل‌رفته مشاغل آموزشی و پژوهشی در مقایسه با بسیاری از شغل‌هایی که تخصص چندانی نیاز ندارد. یکی از دانشجویان در این‌باره گفت: «بیشترین چیزی که بش اهمیت میدم، چیزی که چندین سال برایش زحمت کشیدم. ازش دفاع کردم و باید هم دفاع کنم. پیشرفت تو این زمینه و کسی شدن برام ارزشه». دانشجوی دیگری گفت: من دانشجوی دکتری، حداقل هدفم هیئت علمی شدن است. حداقل! ولی من خودم که به کمتر از ایده‌پردازی راضی نیستم. این

(جذب در هیئت علمی)، چالشی داره به نام کم بودن ظرفیت. زمان‌بر بودن فرایند استخدامی هم به مشکل اساسیه. تازه اگر سفارش شده‌ها راه به تو بدن. حالا گیرم هفت خوان را رد کردی، فکر می‌کنی چه خبره! تو خودت بگو به پژوهشگر شرایط مناسب‌تری داره یا به دلال زمین. اینا آدم را دلسرد می‌کنه والا مسلمنه منی که اوادم تو وادی درس و دانشگاه، این مسایلی و پیشرفت تو این مسایلی برام ارزش داشته و ارزش داره.

۹. مفید بودن

یکی از مضمون‌های استخراج شده از بیانات شرکت‌کنندگان مفید بودن، در قالب ارزشمند بودن کاری که انجام می‌دهند، بود. بسیاری از این شرکت‌کنندگان، کار خود را فاقد اهمیت لازم می‌دیدند و با قیاس کار خود با کارهای دیگر، به‌ویژه کارهایی که تخصص کمی نیاز دارد، سختی‌های آن را زیاد و فواید آن را اندک می‌یافتند. آنها بر این باور بودند که دستاوردهایشان ارزش چندانی ندارد، یا آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نمی‌گیرد. درواقع، به نوعی از اتلاف وقت و انرژی سخن می‌گفتند. در این مورد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

چیزی که برای من مهم است، یکی اینکه بدانم کاری که دارم انجام می‌دهم مفید است. وقتی کار بیهوده می‌کنم مثلاً به کار علمی که خودم می‌دونم فایده نداره، این منو اذیت می‌کنه. اخیراً به این نتیجه رسیدم که تو سیستم علمی نمی‌شه زیاد مفید بود. من فکر می‌کنم کسی که داره به کار خدماتی انجام می‌ده، از به دانشجوی دکتری مفیدتره تو جامعه. چون تحقیقات ما هیچ ربطی به وضعیت اقتصادی مردم نداره. هیچ کمکی هم به پیشرفت کشور نمی‌کنه. ما صنایع‌مون همش کپی شده خارجه. کاری که ما می‌کنیم نه وارد صنعت می‌شه، نه وارد زندگی مردم می‌شه. تو قفسه کتابخونه‌ها خاک می‌خوره.

یا متأسفانه جوری شده که مخصوصاً تو زمینه درس و علم و مخصوصاً تو دکتری احساس می‌کنم این زحمتی که می‌کشیم هیچ اجری نداره. هیچ اهمیتی نداره برای کسی. وقتی شما بدونی کاری که انجام می‌دی فایده داره، برای خودت برای دیگران. اون باعث می‌شه انگیزتون بیشتر شه.

۱۰. نمایش خود واقعی

همانگی در رفتار و گفتار، پرهیز از اعمالی که اعتقادی به آن نداری، ابراز آزادانه عقاید، نان به نرخ روز نخوردن و در یک کلام، نشان دادن خود واقعی، یکی دیگر از ارزش‌های عنوان شده توسط

تعدادی از دانشجویان شرکت‌کننده بود. این افراد، رواج رفتارهای فریبکارانه با هدف رسیدن به منافع شخصی را پیامد شرایط معیوب اجتماعی می‌دیدند و عنوان می‌کردند هرچند ممکن است خود نیز زمانی مجبور به نمایش غیرواقعی از خود شوند. از این رو، این امر برای آنها آزاردهنده بوده و تبعات روان‌شناختی دارد. دانشجویی در این خصوص می‌گفت: برای من این ارزشمند است که خودم باشم؛ یعنی اینکه فیلم بازی نکنم. به خاطر خوش اومدن این و اون یا به خاطر اینکه به جا مقام بگیرم. من نه عقاید سیاسی را جایی مخفی کردم نه عقاید مذهبی. ولی شاید مجبور شم تو آینده به خاطر هر چیزی، اینکه مثلاً گزینشم قبول شه یا به خاطر هر چیز دیگری، خلاف این عمل کنم. ولی اون وقته که ارزش خودمو زیر پا گذاشتم. ولی خیلی آدما را می‌شناسم که به راحتی آب خوردن این کارو می‌کنن.

۱۱. احترام نفس

احترام نفس یکی از مضامین نهفته در بیانات برخی دیگر از شرکت‌کنندگان بود. هرچند هیچ کدام به‌طور مستقیم از آن به‌عنوان یک ارزش نام نبردند. درواقع، یکی از دلایل ارزشمند بودن برخی از مضامین دیگر، از جمله ارزش‌های مادی در آن بود که احترام نفس را برای شخص به ارمغان می‌آورد. شرکت‌کننده‌ای می‌گفت: «من دوست دارم زمانی ازدواج کنم که از لحاظ مالی اوکی باشم. دوست ندارم رو غریزم ازدواج کنم، بعد به بی‌پولی و بدبختی بخورم». تکرار بخشی از گفته‌های دانشجویی که تحت مضمون ارزش‌های مادی به آن اشاره شد، می‌تواند مفید باشد: «علت اصلی مادی‌گراییم به ذره ترس و شرم و حیاست. مثلاً، می‌ترسم فردا من به زنی بگیرم، به انتظاری از من داشته باشه که من از نظر مادی نتونم، حجلت می‌کشم که بهش بگم من نمی‌تونم برات بخرم».

۱۲. ایمنی

حفظ امنیت جانی، جسمی، مالی و شغلی دغدغه تعدادی از شرکت‌کنندگان بود. این افراد، تمهیدات ویژه‌ای را برای سلامت جسمانی و حفظ جان خویش می‌اندیشیدند؛ از کارهای پرخطر پرهیز می‌کردند و محیط‌های کمتر متغیر و قابل پیش‌بینی را ترجیح می‌دادند. از این رو، این نگرانی محدودیت‌هایی را با خود به همراه داشت که کاهش توان ریسک‌پذیری و اعتماد به نفس اندک از آن جمله است. شرکت‌کننده‌ای در این خصوص می‌گفت: من خیلی جونم برام ارزش داره. خیلی جون ترسم. از موقع دانشگاه شدید شده. تو مسیری که می‌رم از تهران تا خونه این مسئله همش با منه. تو اتوبان که می‌رم همش می‌گم: این ماشین الان تصادف می‌کنه. همیشه چهار چشمی این‌ور و اون‌ور را می‌پایم. حواسم به راننده هست. دو سه دفعه شده راننده داشته چرت می‌زده گفتم: آقا بزن کنار! بزن کنار من پیاده شم!

وسط اتوبان پیاده شدم. علتش هم ترسه. خیلی می‌ترسم. اعتماد به نفس هم تو این زمینه خیلی کمه. این تأثیرات بدی داره: منو تو خیلی کارها محدود کرده و جرأت خیلی کارها را از من گرفته؛ مثلاً رانندگی یا مسافرت با اتوبوس یا هواپیما.

دیگری نگرانی خود در ارتباط با امنیت مالی و شغلی را این‌گونه باز می‌گفت: «به راحتی حاضریم این کار را با به کار دیگه مثلاً تو بازار با درآمد بیشتر عوض کنیم. البته امنیت اون هم برام مهمه است. اگر امکان اخراج یا ورشکستگی باشه نه. درواقع امنیت شغلی یک معیار اساسیه. البته نباید ضرر جسمی یا روحی هم داشته باشه».

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، تعدادی دانشجوی دوره دکتری، در بیان ارزش‌های خود ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌های دینی، ارزش‌های خانوادگی، ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های مادی، ارزش‌های ملی، نوع‌دوستی، پیشرفت شخصی، مفید بودن، نمایش خود واقعی، احترام نفس و ایمنی را عنوان کردند. یافته‌های این مطالعه تفاوت‌های مشهودی با مقیاس‌های ارزشی رایج آلپورت و دیگران (۱۹۷۰)، شوارتز (۱۹۹۲) و لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) دارد. در ذیل این تفاوت‌ها و دلایل احتمالی آن مطرح شده است.

مطالعه حاضر نشان داد که ارزش‌های اخلاقی و ارزش‌های دینی در برخی از دانشجویان دوره دکتری برجسته است. هرچند مقیاس‌های پیش‌گفته ارزش‌های اخلاقی و دینی را با هم جمع نموده‌اند. ما به دو دلیل تفکیک این ارزش‌ها را صحیح دانستیم: نخست اینکه، ارزش‌های اخلاقی مورد تأیید اکثریت افراد در جوامع مختلف، صرف‌نظر از آیین مذهبی مورد قبول آنها می‌باشد. دوم اینکه، برخی از شرکت‌کنندگان تنها یکی از این دو را به‌عنوان ارزش‌های خود عنوان نمودند. علامه طباطبائی (۱۳۴۶) با استناد به آیات قرآن، خداپرستی و دینداری را با طبیعت عقلانی و منطقی بشر و همچنین تمایلات فطری و ذاتی او مرتبط می‌داند. استاد مطهری (۱۳۸۵ الف) نیز گرایش‌ها و تمایلات انسان را مشتمل بر دو دسته تمایلات مادی و تمایلات انسانی برمی‌شمارد و سعادت و سلامت جامعه را در گرو تحقق انسانیت واقعی و انسانیت واقعی را در گرو شناخت و عمل به تمایلات و ارزش‌های اصیل انسانی، به‌ویژه ارزش‌های دینی و اخلاقی عنوان می‌کند. کنت در یک تحلیل فلسفی، نیاز به مذهب را یک نیاز دائمی و انجام رفتارهای انسانی را آرامش‌بخش روان می‌داند (ورنیک، ۲۰۰۱). همچنین تالبورن (۲۰۰۷) بیان می‌کند که اعتقاد به خدا و باور به بهره‌مندی از حمایت و پشتیبانی او، به فرد برای رسیدن به

اهداف خود نیرو می‌دهد. این نیرودهی با ایجاد امید، تشویق به نگرش‌های مثبت و کاهش اضطراب مرتبط با موقعیت مشخص می‌شود. نتیجه بررسی نوربالا و دیگران (۱۳۸۶) با این یافته هماهنگ است. در این پژوهش، شرکت‌کنندگان بیشتر به تأثیر دین بر زندگی و لزوم کسب معارف دینی متمایلند تا رعایت مناسک خاص آن. باقری (۱۳۸۵) همسو با این یافته، در تحلیل محتوای مضامین ارزشی روزنامه‌های کثیرالانتشار طی ۴۰ سال، نتیجه گرفت که جهت‌گیری نظام ارزشی تغییر از مدل احساسی-مناسکی به مدل پیامدی-فکری را گذرانده است. این پژوهش، نتایج مطالعات لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) و روشن‌فر (۱۳۹۰)، در بیان تزلزل و انحطاط محتوای ارزشی جوانان کشور، به‌ویژه کسانی که به تحصیلات بالاتر راه می‌یابند، را به چالش می‌کشد. تفاوت جوامع تحقیق می‌تواند نتایج متفاوت را توجیه کند. تحقیق نخست، در جامعه دانش‌آموزان دبیرستانی و دومی در دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۴ کشور انجام گرفت. درحالی‌که بررسی ما به ۱۴ دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تبریز مختص شده است.

این مطالعه همسو با بررسی نوربالا و دیگران (۱۳۸۶) نشان داد که دانشجویان تعلق خود به خانواده و جامعه را حفظ کرده‌اند و نسبت به آن احساس وظیفه می‌کنند. به‌رغم نتایج متفاوت بررسی روشن‌فر (۱۳۹۰)، این یافته توسط دیدگاه مازلو (۱۹۵۴) تأیید می‌شود که تعلق به خانواده و اجتماع را یکی از نیازهای اساسی و بسترساز نیازها و ارزش‌های سطح بالاتر می‌داند. استاد مطهری (۱۳۸۵ ب) معتقد است: اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پی‌ریزی شده است. تنها با زندگی اجتماعی است که استعدادهای انسانی تحقق می‌یابد. علامه طباطبائی (۱۳۴۶) نیز گرچه نظر استاد مطهری در خصوص فطری بودن زندگی اجتماعی انسان را نمی‌پذیرد، اما بر این باور است که زندگی اجتماعی برای رسیدن به رشد و تربیت یک ضرورت است.

همچنین این مطالعه نشان داد که اشتغال ذهنی به ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی قسمت مشهود بیانات تعدادی از دانشجویان است که با توجه به شرایط سنی شرکت‌کنندگان در این مقطع تحصیلی، امری معمول می‌نماید. در آیین اسلامی، ازدواج به‌عنوان سنگ‌بنای خانواده، که خود اولین جامعه در زندگی آدمی است، اهمیت شایانی در پیشگیری از آسیب‌های روانی و بزه‌های اجتماعی دارد و مطابق با نص صریح قرآن کریم موجب آرامش روان است (روم: ۲۱).

مطرح بودن مسایل مادی و کسب درآمد به‌عنوان یکی از ارزش‌های مشارکت‌کنندگان توسط مطالعات روشن‌فر (۱۳۹۰) و فخری و دیگران (۱۳۹۱) تأیید می‌شود. این مطالعه نشان داد که این افراد،

است، سزاوار نیست؛ چراکه در اینجا مقصود بهزیستی، رفاه و سعادت دیگران است و نه جلب رضایت یا روابط با آنها.

شناسایی پیشرفت شخصی به‌عنوان یکی از ارزش‌ها، همسو با ارزش‌های اساسی انسان (شوارتز، ۱۹۹۲، ص ۹) و موافق با دیدگاه پیازه (۱۹۷۱) است که رشد و پیشرفت را هدف زندگی می‌داند. مطابق قرآن کریم و دیدگاه حکمای مسلمان، رشد و پیشرفت جایگاه والایی در اسلام دارد، تا جایی که هدف از آفرینش انسان، شکوفایی عقلانی عنوان شده است (زیباکلام، ۱۳۸۰، ص ۱۶۰). در این خصوص ویل دورانت (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۵۹) اعتراف می‌کند که تمدنی شگفت‌انگیزتر از تمدن اسلام وجود ندارد. در واقع، بسیاری از ارزش‌های دیگر در راستای پیشرفت فردی یا اجتماعی مطرح می‌باشند. برای نمونه، ارزش‌های مادی تا حدودی به سبب نقشی که در اعتلای جایگاه فرد ایفا می‌کنند، مهم قلمداد می‌شوند.

مفید بودن و نشان دادن خود واقعی از دیگر ارزش‌های یافته شده در این مطالعه است که در مقیاس‌های پیشین مورد توجه قرار نگرفته است. گرچه این مضمون‌ها را می‌توان در زمره ارزش‌های اخلاقی به حساب آورد، اما فاصله زیاد آنها با دیگر ارزش‌های اخلاقی، دلیل این تمایز است. به عبارت دیگر، مردم به احتمال زیاد در بیان ارزش‌های اخلاقی به این موارد اشاره‌ای نمی‌کنند. این ارزش‌ها با نظریه مازلو (۱۹۵۴) در توافق بوده و از ویژگی‌های افراد خودشکوفاست. در اسلام نیز سودمندی و فایده‌رسانی ملاک ارزشمندی و نشانه باایمانی است (محمدری شهری، ۱۳۷۷، ص ۵۳۸).

این مطالعه نشان می‌دهد که افراد در سطوح بالای تحصیلی، ارزش‌هایی متفاوت از دیگران و دغدغه‌های خودشکوفایی دارند. این ارزش‌ها، به اتفاق ارزش‌های اخلاقی و نوع دوستی با مراحل رشد اخلاقی کلبیرگ (۱۹۸۴) همخوانی دارند و هماهنگی رشد شناختی با رشد اخلاقی را نشان می‌دهند. ارزش مفید بودن، به‌ویژه ضرب‌المثل عامیانه «همه می‌خواهند مهم باشند. کسی نمی‌خواهد مفید باشد» را نقض می‌کند. مجاز نمودن دانشجویان دوره دکتری به انتخاب‌های ممکن مطابق با علاقه خود، از جمله موضوع پژوهشی و استاد راهنما و پرهیز از الزام آنها به انجام کارهای مشخص، پیشنهادی در مسیر تحقق خودشکوفایی این افراد است.

این مطالعه نشان داد که علی‌رغم مطرح بودن ارزش‌های موافق با نیازهای خودشکوفایی، احترام نفس و ایمنی که از ارزش‌های موافق با نیازهای سطح کاستی هستند، همچنان در این دوره خودنمایی می‌کنند. دیده می‌شود که نظام آموزشی حتی در بالاترین سطوح با مسایل مربوط به نیازهای زیربنایی

دو هدف متفاوت را از خواسته‌های مادی دنبال می‌کنند: عده‌ای در اندیشه امرار معاش و گذران زندگی در این سنین و بی‌نیازی از خانواده‌اند. مازلو (۱۹۵۴) نیازهای مادی را اولین نیازهای اساسی معرفی می‌کند و ارضای آن را برای مطرح شدن نیازهای دیگر ضروری می‌داند. نیازهای مادی و کسب درآمد از راه صحیح در اسلام نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است. تا جایی که قرآن کریم تلاش برای امرار معاش را در کنار جهاد در راه خدا قرار داده است (مزمّل: ۲۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز کسب درآمد حلال را برترین قسم عبادت معرفی می‌کند (کلینی، ۱۳۷۵، ص ۷۸)؛ چراکه از یک ملت تهیدست و محتاج، هرگز عظمت و سربلندی برنمی‌آید. اعطای فرصت به دانشجویان دوره دکتری برای انجام کارهای پژوهشی درآمدزا یا پرداخت بخشی از هزینه‌های زندگی آنها توسط نهادهای ذریع در قالب وام‌های بلندمدت و یا پرداخت هزینه تحصیل، می‌تواند از دغدغه این افراد کاسته و موجب تمرکز بیشتر آنان بر امور تحصیلی شود.

دسته دوم کسب درآمد را راهی برای جبران ضعف‌های گذشته و کاستی‌های کنونی خود می‌بینند. به باور فروید (۱۹۳۶) مکانیسم دفاعی جبران‌ساز و کار این گروه برای غلبه بر شرایط ناخواسته خویش است. موفقیت‌های تحصیلی و حرفه‌ای می‌تواند تا حدودی نیازهای این افراد برای کامیابی را ارضا کرده و عطش داشتن شرایط خوب مالی را فرو نشانند. ارزش‌های ملی نیز پیش‌تر در بررسی لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) شناسایی شده بود. مطرح نبودن این ارزش در مقیاس‌های آلپورت و دیگران (۱۹۷۰) و شوارتز (۱۹۹۲)، به محیط فرهنگی-اجتماعی متفاوت جوامع تحقیق منوط است.

هرچند یافته‌های بررسی لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) و ربانی و شهبابی (۱۳۸۹) نوع دوستی را ارزشی تنزل یافته در میان جوانان قلمداد می‌کند، اما شوارتز و باردی (۲۰۰۱) با بررسی شباهت‌های میان فرهنگی در ارزش‌ها، همسو با مطالعه حاضر، نشان دادند که نوع دوستی به‌طور مستمر، در تمامی فرهنگ‌ها به‌عنوان ارزشی مطلوب ارزیابی می‌شود و با نیاز به خودشکوفایی در نظریه مازلو (۱۹۵۴) ارتباط دارد. در آیین اسلام مثل مؤمنان، مثل پیکری است که در آن اعضا بی‌قرار یکدیگرند (نمازی، ۱۴۱۹ق، ص ۶۷) و نفع رساندن به بندگان خدا در کنار ایمان به ذات الوهیت، دو خصالت نیکی است که بالاتر از آن چیزی نیست (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۷). نوع دوستی را می‌توان یکی از موارد مطرح در ارزش‌های اخلاقی دانست، ولی ارتباط آن با دیگر افراد جامعه دلیل این تفکیک است. به علاوه، گنجاندن آن در ارزش‌های اجتماعی، آن‌گونه که در مقیاس لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) انجام شده

درگیر است. کارگزاران فرهنگی و آموزشی، می‌توانند با تقویت احساس خودارزشی در کنار دلبستگی‌های ملی و تعلقات خانوادگی از خلأهای عاطفی پیشگیری کنند.

در این مطالعه، مقیاس‌های رایج در حیطه ارزش‌ها کارآیی چندانی برای دانشجویان دوره دکتری ندارد. در اینجا از ارزش‌های هنری و سیاسی خبری نیست. بررسی نوربالا و دیگران (۱۳۸۶) نیز نشان داده بود که همزمان با افزایش سنوات دانشگاهی، این ارزش‌ها اهمیت کمتری می‌یابند. عبور از دوران کثرت‌گرایی نوجوانی و مشخص شدن علایق دانشجویان و تمرکز بر موضوعاتی مشخص، شاید دلیل این فقدان باشد. از سوی دیگر، ارزش‌های مفید بودن، نمایش خود واقعی و احترام نفس به‌عنوان ارزش‌های مطرح در این گروه از افراد شناسایی شد. قرار داشتن در مراحل بالاتر رشد اخلاقی و بروز نیاز به خودشکوفایی، می‌تواند دلیلی برای وجود دو ارزش نخست و همچنان مطرح بودن نیازهای کاستی دلیل بروز آخرین ارزش باشد. پژوهش‌های تکمیلی برای یافتن دلایل این تغییرات توصیه‌ای براساس یافته‌های مطالعه حاضر است. در این مطالعه، همسو با سوارتز و باردی (۲۰۰۱)، ارزش‌ها مجزا نبوده و در نظام‌های پیچیده، سلسله‌مراتبی، پویا و متناقض مطرح می‌باشند. این مطالعه همچنین نشان داد که شرکت‌کنندگان تعارض‌های درونی در ارزش‌های شخصی تجربه می‌کنند که با بررسی سوارتز (۲۰۰۶) تأیید می‌شود. در مجموع، مضمون‌های مطلوب بسیاری در نظام ارزشی دانشجویان دکتری وجود دارد. هرچند نمی‌توان گفت این ارزش‌ها از قبل در این گروه وجود داشته و بدین جهت تحصیل در دوره دکتری را راهی مناسب برای حصول آن و بروز خودشکوفایی یافتند، یا محصول آموزش‌های تخصصی سطوح بالای تحصیلی است.

منحصر شدن نمونه مورد بررسی به دانشجویان پسر، پیشنهاد پژوهش با دختران را در خود دارد، به‌ویژه اینکه مردان و زنان دغدغه‌ها و ارزش‌های فکری متفاوتی دارند (لین و گیلیگان، ۱۹۹۰، ص ۱۹۸). پژوهش‌های متعاقب با الهام از یافته‌های حاضر می‌توانند ساخت ابزارهای مناسب و انجام تحقیقات کمی در مقیاسی بزرگ‌تر را هدف قرار دهند. همچنین نتایج این مطالعه می‌تواند مورد استفاده برنامه‌ریزان در نظام آموزش عالی و مؤسسات متقاضی خدمات این گروه از افراد قرار گیرد.

منابع

- باقری، شهلا، ۱۳۸۵، «مقیاسه نظام ارزشی جهت‌گیری‌های دینی در ۴۰ سال گذشته ایران»، *شبه‌شناسی*، سال چهارم، ش ۱۵، ص ۵۶-۷.
- ربانی، رسول و سیامک شهابی، ۱۳۸۹، «بررسی ارزش‌های اخلاقی جوانان شهری اصفهان»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال دوم، ش ۵، ص ۹۲-۷۷.
- زیباکلام، فاطمه، ۱۳۸۰، *مبانی فلسفی آموزش و پرورش در ایران*، تهران، حقیقت.
- روشن‌فر، علیرضا، ۱۳۹۰، «بررسی نظام ارزشی دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۴ کشور»، *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، سال دوم، ش ۴، ص ۱۰۱-۱۱۴.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۴۶، *تفسیر المیزان*، تهران، محمدی.
- فخری، زهرا و همکاران، ۱۳۹۱، «کیفیت نظام ارزشی و و باورهای خودکارآمدی در فرزندان دارای پدر جانباز و غیرجانباز»، *روان‌شناسی کاربردی*، سال ششم، ش ۴، ص ۲۵-۴۲.
- کرامتی‌مقدم، رضا و همکاران، ۱۳۸۶، «بررسی رابطه وابستگی به اینترنت با نظام ارزشی دانشجویان کارشناسی ارشد»، *روان‌شناسی*، سال یازدهم، ش ۴، ص ۴۱۴-۴۲۵.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۷۵، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم، اسوه.
- لطف‌آبادی، حسین و وحیده نوروژی، ۱۳۸۳، «سنجش نظام ارزشی به‌منظور بررسی تأثیر جهانی شدن بر نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان ایران»، *نوآوری‌های آموزشی*، سال سوم، ش ۹، ص ۳۳-۵۶.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفا.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۷، *میزان‌الحکمه*، قم، دارالحدیث.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۶، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، *اسلام و مقتضیات زمان*، تهران، صدرا.
- ۱۳۸۵ الف، *انسان و ایمان*، تهران، صدرا.
- ۱۳۸۵ ب، *جامعه و تاریخ*، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نمازی، علی، ۱۴۱۹ق، *مستدرک سفینه‌البحار*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- نوربالا، احمدعلی و همکاران، ۱۳۸۶، «بررسی سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان دانشگاه شاهد طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰»، *دانشگاه شاهد*، سال چهاردهم، ش ۲۲، ص ۸۳-۱۰۸.

- Rokeach, M, 1973, *The Nature of Human Values*, San Francisco, Jossey-Bass.
- Rushton, J. P, & et al, 1986, Altruism and aggression: The heritability of individual differences, *Journal of Personality and Social Psychology*, v. 50, p. 1192-1198.
- Rushton, J. P, 2004, Genetic and environmental contributions to pro-social attitudes: A twin study of social responsibility, *Proceedings of the Royal Society B: Biological Sciences*, v. 271, p. 2583-2585.
- Schwartz, S. H, & Bardi, A, 2001, Value hierarchies across cultures: Taking a similarities perspective, *Journal of Cross Cultural Psychology*, v. 32, p. 268-290.
- Schwartz, S. H, & et al, 2001, Extending the cross-cultural validity of the theory of basic human values with a different method of measurement, *Journal of Cross-Cultural Psychology*, v. 32, p. 519-542.
- Schwartz, S. H, 1994, Are there universal aspects in the structure and contents of human values?, *Journal of Social Issues*, v. 50, p. 19-45.
- Schwartz, S. H, 2006, Basic human values: Theory measurement, and application, *Revue Franc,aise de Sociologie*, v. 47, p. 249-288.
- Schwartz, S.H, & Sagiv, L, 1995, Identifying culture specifics in the content and structure of values, *Journal of Cross Cultural Psychology*, v. 26, p. 92-116.
- Schwartz, S.H, 1992, *Universals in the content and structure of values: theory and empirical tests in 20 countries*, New York, Academic Press.
- Schwartz, S.H, 1999, A theory of cultural values and some implications for work, *Applied Psychology: An International Review*, v. 48, p. 23-47.
- Smith, J. A, & et al, 1999, Doing interpretive phenomenological analysis, In M. Murry and K, Chamberlain (Eds.). *Qualitative health psychology: theories and methods*, London, Sage.
- Stern, P.C, & Dietz, T, 1994, The value basis of environmental concern, *Journal of Social Issues*, v. 50, p. 65-84.
- Stern, P.C, & et al, 1999, A value-belief-norm theory of support for social movements: the case of environmentalism, *Human Ecology Review*, v. 6, p. 81-97.
- Thalbourne, M. A, 2007, Potential psychology predictors of religiosity, *International Journal for Psychology of Religion*, v. 17, p. 333-336.
- Wernick, A, 2001, *Auguste Comte and the Religion of Humanity*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Allport, G, & et al, 1970, *Study of values*, New York, Houghton Mifflin.
- Caprara, G. V, & et al, 2006, Personality and politics: Values, traits, and political choice, *Political Psychology*, v. 27, p. 1-28.
- Cieciuch, J, & Schwartz, S. H, 2012, The number of distinct basic values and their structure assessed by PVQ-40, *J Pers Assess*, v. 94, p. 321-328.
- Feather, N. T, 1988, From values to actions: Recent application of the expectancy-value model, *Journal of Psychology*, v. 40, p. 105-124.
- Feather, N. T, 2004, Value correlates of ambivalent attitudes toward gender relations, *Personality and Social Psychology Bulletin*, v. 30, p. 3-12.
- Finegan, J, 1994, The impact of personal values on judgments of ethical behavior in the workplace, *Journal of Business Ethics*, v. 13, p. 747-755.
- Fischer, R, & Smith, P.B, 2006, Who cares about justice? The moderating effect of values on the link between organizational justice and work behavior, *Applied Psychology: An International Review*, v. 55, p. 541-562.
- Freud, A, 1936, *The ego and the mechanisms of defense*, New York, Hogarth Press.
- Helkama, K, & et al, 2003, Moral Reasoning and Values in Medical School: A longitudinal study in Finland, *Scandinavian Journal of Educational Research*, v. 47, p. 399-411.
- Homer, P, & Kahle, L, 1988, A Structural Equation Test of the Value-Attitude-Behavior Hierarchy, *Journal Personality and Social Psychology*, v. 54, p. 638-646.
- Jones, T, 1991, Ethical decision making by individuals in organizations: An issue-contingent model, *Academy of Management Review*, v. 79, p. 97-116.
- Kohlberg, L, 1984, *The Psychology of Moral Development*, San Francisco, Harper & Row.
- Lan, L., & et al, 2013, Impact of Job Satisfaction and Personal Values on the Work Orientation of Chinese Accounting Practitioners, *J Bus Ethics*, v. 112, p. 627-640.
- Legohérel, P, & et al, 2009, Culture, Time Orientation, and Exploratory Buying Behavior, *Journal of International Consumer Marketing*, v. 21, p. 93-107.
- Lie, M, & Cai, L. A, 2011, The Effects of Personal Values on Travel Motivation and Behavioral Intention, *Journal of Travel Research*, v. 51, p. 473-487.
- Linn, R., & Gilligan, C, 1990, One action, two moral orientations-The tension between justice and care voices in selective conscientious objectors, *New Ideas in Psychology*, v. 8, p. 189-203.
- Maslow, A. H, 1954, *Motivation and personality*, New York, Harper & Row.
- Piaget, J, 1971, *Biology and knowledge; an essay on the relations between organic regulations and cognitive processes*, Chicago, University of Chicago Press.
- Pizam, A, & Calantone, R, 1987, Beyond Psychographics-Values as Determinants of Tourist Behavior, *International Journal of Hospitality Management*, v. 6, p. 177-181.
- Roccas, S, 2005, Religion and value systems, *Journal of Social Issues*, v. 61, p. 747-759.